

ایدئولوژی و جنبش ملی

با گریزی به سخنان "فریدون" مسئول اول سازمان فدائیان خلق در ستاد مرکزی شوراهای دهقانی در ترکمن صحرا در سالهای ۵۹ - ۵۸ مطلب خود را آغاز می‌کنم. رفیق فریدون در نشریه آرش شماره ۷۹ می‌نویسد "جنگ اول گنبد، دهقانان را هشیار و در تعمیق دستاوردهای خود مصمم کرد. فدائیان کادرهای بیشتری به منطقه اعزام داشتند تا به همراه هم‌زمان ترکمن خود از بروز خشونت جلوگیری کنند و جنبش دهقانی را تعمیق بخشند." و در بخش دیگری با اشاره به چگونگی شروع شروع جنگ دوم گنبد می‌گوید "عوامل پاسداران ... به روی مردم آتش گشودند. روستائیان خشمگین به مغازه‌ها حمله کردند."

بخش اول قسمت اول "اعزام کادرها از مناطق دیگر" به ترکمن صحرا کاملاً درست است اما اینکه بخاطر جلوگیری از بروز خشونت و یا تعمیق جنبش باشد کاملاً نادرست است. بیشتر این کادرها حتی نام ترکمن‌صحرا و یا ترکمن‌ها را تا درگیری‌های گنبد نشنیده بودند و کوچکترین شناختی از مردم و فرهنگ ترکمن نداشتند.

اما در قسمت دوم بایستی گفت که در آغاز و ادامه جنگ دوم گنبد هیچ مغازه‌ای از جانب "روستائیان ترکمن" مورد حمله قرار نگرفت. این داستان مربوط به واقعه ۲۰ بهمن ۵۷ است که هیچ ربطی با جریان‌های دوره ستاد ندارد.

مجموعه اظهارات فریدون در این "نشریه آرش" بعنوان یکی از فعالین جنبش چپ ایران و عضو سابق کمیته مرکزی سازمان فدائیان اکثریت نشان از آن دارد که با گذشت این همه سالها و دگرگونی‌های بسیار در عرصه‌های مختلف ملی و بین‌المللی هنوز هم نتوانسته است که آن جنبش عظیم ملی ترکمن را درک نماید.

در ترکمن صحرا جنبش ملی با ابعاد بسیار گسترده در عرصه‌های فرهنگی و اقتصادی جریان داشت. ملت ترکمن که در طی حکومت پهلوی تحت شدیدترین فشارهای فرهنگی، اقتصادی و سیاسی قرار داشت جهت احقاق حقوق ملی خود بپا خواسته بود. از همان آغاز نیروهای روشنفکر و جوان ترکمن که بی‌تجربه و عمدتاً دانشجوی بودند عملاً رهبری جنبش را بدست گرفتند. از طریق این نیروها که غالباً ایده چپ داشتند سازمان فدائیان به ترکمن صحرا راه یافت و در ادامه رهبری جنبش ملی ترکمن در اختیار آنها که بنا به ادعای خود به تئوری مارکسیسم - لنینیسم و با ادعای رهبری طبقه کارگر بر جنبش ملی مجهز بودند، قرار گرفت. اما جنبش ملی دارای خصوصیات و ویژگیهایی بود که نمیتوانست تحت رهبری "رهبران طبقه کارگر" به پیش برود. در ادامه روند این دو تفکر هر کدام در جهت دیگری تعمیق می‌یافتند و در نهایت در مقابل هم قرار می‌گرفتند که عمدتاً جنبش ملی تحت فشار رهبران مارکسیست - لنینیست آن که همه امور را فقط از زاویه طبقاتی "کتابی" می‌نگرند، از مسیر خود منحرف میشد و یا اینکه این جنبش در مقابل این رهبری قرار می‌گرفت. در منطقه‌ای مانند کردستان بعلت وجود تجربه قوی و حضور دیگر نیروهای در رهبری این جنبش ملی این دیدگاه چپ نتوانست در ادامه در این جنبش نقشی ایفا نماید. واقعیت‌های جنبش ملی کردستان در مقابل این دیدگاه قرار گرفته و آنها را به کناری نهاد. اما در ترکمن صحرا بعلت حضور انحصاری و با سیاست‌های انحصار طلبانه، واقعیت‌های جنبش ملی به کناری نهاده شد. این مسئله را نه فقط جنبش ملی منطقه ما بلکه در مناطق دیگر ملی و در کشورهای سوسیالیستی سابق خود را به اثبات رسانده است. این تضاد بدترین شکل خود را زمانی نشان می‌دهد که رهبری این جنبش‌های ملی از نیروهایی خارج از این مناطق ملی باشند که آنها هیچ درکی از خصوصیات و ویژگیهای ملی این منطقه نداشته باشند. این مسئله در منطقه ما بنا به گفته خود رفیق فریدون که میگوید "فدائیان کادرهای بیشتری به منطقه اعزام داشتند" که عمده مسئولیت‌ها عملاً در دست آنها بود، به بدترین شکل خود را نشان داد.

جنبش ترکمن‌ها عمیقاً خصلت ملی داشت اما نطفه‌های آغازین رهبری آن متناسب با وضعیت و شرایط موجود جنبش نبود که این نمیتوانست دلایل مختلفی از جمله جوان بودن و عدم انتقال تجربه از دوره‌های قبل جنبش ملی ترکمن داشته باشد.

علیرغم طرح بعضی مسائل و مشکلات ملی و فرهنگی بنا به دیدگاههای موجود این نیروهای جوان، به مسائل عمدتاً از زاویه طبقاتی و چپ‌نگریسته میشد. طبق این دیدگاه از همان آغاز ملت ترکمن می‌بایستی به دو طبقه متخاصم سرمایه‌دار و زحمتکش تقسیم میشد و همه مسایل و مشکلات مبارزات اجتماعی می‌بایستی درون خود ملت ترکمن جسته می‌شد. عمق ستم ملی در جنبه‌های گوناگون آن و امکان بهره‌برداری از اکثریت توان این جنبش که برخا

می توانست در میان نیروهای نسبتاً مرفه جامعه ترکمن وجود داشته باشد از همان ابتدا به کناری نهاده شد. عملکرد و ستم نیروهای خارج از ملت ترکمن که عاملان و طراحان سیاستهای شوونیستی بر علیه ملت ترکمن بودند تحت این ایدئولوژی م. ل. از انظار پنهان ماندند.

وقتی که در ۱۹ بهمن معلوم شد که قرار است فردا بنا به دعوت آنه قلیچ آخوند نقشبندی روستائیان ترکمن صحرا در گنبد بطرفداری از رژیم شاه تظاهرات کنند، همان شب تنی چند از فعالین ترکمن نزد آنه قلیچ آخوند نقشبندی رفته و نکات منفی این گونه تظاهرات و اینکه در تهران رژیم شاه در حال سقوط است را با وی مطرح می کنند که وی نیز ظاهراً قانع شده و می گوید که این تظاهرات را لغو خواهد نمود و یا اینکه از همان دروازه شهر با ایراد سخنانی روستائیان را بر خواهد گرداند. در همان زمان صحبت، رؤسای ژاندارمری و ساواک گنبد نیز در طرفین وی نشسته و ساکت بودند و شاید هم اصلاً زبان ترکمنی را نمی فهمیدند. اما روز بعد، ۲۰ بهمن ۵۷، تظاهرات با چوب و چماق برگزار شد. شیشه های برخی مغازه ها شکسته شد و یک نفر کشته و تنی چند نیز زخمی شدند. گفته می شد که در میان این تظاهر کنندگان برخا غیرترکمن هایی که عوامل رژیم شاه بودند با لباسهای ترکمن های روستایی و یا با لباسهای بلوچی شرکت داشتند.

رژیم شاه و عوامل وی در منطقه تنها می توانستند از طریق آنه قلیچ نقشبندی که از بزرگترین آخوندهای ترکمن بود آنقدر ترکمن ها را برای اینگونه تظاهرات بسیج کنند. بنا به دستور ژاندارمری و یا شهربانی هیچ ترکمنی برای تظاهرات در گنبد حاضر نمیشد. عوامل رژیم شاه در آخری لحظات حیات خود نیز از یک نفر ترکمن برای ضربه زدن به جنبش ملی ترکمن استفاده نمودند. رژیم شاه نه فقط هیچ نقش مثبتی در جامعه ترکمن نداشت بلکه تا می توانست جنبش ملی ترکمن را خفه میکرد.

اما در این واقعه روشنفکران ترکمن هوادار فدایی و سازمان فدائیان نوک حمله تبلیغاتی خود را بر علیه آخوند نقشبندی و چند آخوند دیگر ترکمن بعنوان آمران و عاملان این تظاهرات متمرکز کرده و نقش رژیم شاه و عوامل وی مانند رؤسای ساواک و ژاندارمری را که در تمام این برنامه همراه آخوند نقشبندی بوده و وی را تنها نمی گذاشتند، بسیار کمرنگ نمودند. چون علاوه بر نقش این آخوند در این تظاهرات وی با حدوداً ۵۰۰ هکتار زمین یکی از زمینداران بزرگ ترکمن نیز بود.

در کتاب "زندگی و مبارزه خلق ترکمن" آنه قلیچ آخوند نقشبندی و تعداد دیگری از ترکمن ها بعنوان طراحان، تدارک بینندگان و مجریان این تظاهرات ضدملی و ژاندارمری و شهربانی فقط بعنوان حمایت کنندگان این تظاهرات معرفی می شوند.

این یک مورد برخورد غیر واقعی به آنچه که در جنبش ملی ترکمن گذشت بود که بنا به دیدگاه های تنگ و محدود هیچکدام از واقعیت ها و نقشها نمی توانستند در جایگاه های واقعی خود قرار گیرند. در اینجا بحث در مورد تبرئه عملکرد بسیار منفی آخوند نقشبندی در آن مقطع نیست، بلکه در مورد دیدن واقعیت های جنبش و نیروهای مخالف آن است. تفکر حاکم بر جنبش ملی در آن دوره، ترکمن صحرا را بمانند یک جامعه تکوین یافته سرمایه داری با طبقات شکل یافته می دید. درون این جامعه نیز مبارزه طبقاتی حادی باید جریان می داشت و طبق این تئوری طبقات زحمتکش ترکمن بایستی برعلیه طبقات سرمایه دار ترکمن مبارزه کند. این اساس دیدگاه رهبری چپ در جنبش ترکمن صحرا بود.

هرچند در ظاهر صحبت از جنبش ملی میشد اما در عمل و در پراتیک مبارزه نمودی نداشت. آنچه که در عمل جریان داشت و تبلیغ می شد یک "مبارزه حاد طبقاتی" بود. آن مبارزه حاد طبقاتی جزوه ای و کتابی لنینی نمیتوانست حتی در سطح جامعه عمومی ایران وجود داشته باشد چه رسد به یک منطقه ای بایک ستم ملی گسترده مانند ترکمن صحرا. بدینسان بود که واقعیت های جامعه ترکمن نادیده گرفته شده و به یک میدان تکتازی چپ بدون تجربه و بدون دانش مبارزه اجتماعی تبدیل گردید. لایه های میانی و نسبتاً بالای جامعه ترکمن سرمایه دار و دشمن خلق ترکمن محسوب شدند. این در حالی است که بنا به خصلت های جنبش ملی نیروهای میانه و حتی لایه های نسبتاً بالای ترکمن نیز از حس ملی

قوی ای برخوردار بودند و هستند. آقای محمدی بزرگترین زمیندار ترکمن صحرا که خود ترکمن است در صحبتی با یکی از دوستان بسیار اظهار تأسف کرده بود که چرا علیرغم تمایل آنها به سعادت ترکمنها آنها را در صف دشمنان ملت ترکمن قرار داده اند. این نظرات بدین معنی نیست که در میان ترکمنها هیچ فرد مرتجع و یا ضد ملی وجود ندارد ولی آن فرمول بندی مبارزه طبقاتی در بین ترکمن ها واقعیت نداشته است و ندارد. جنبش ملی ترکمن تحت رهبری فدائیان تا بدانجا پیش رفت که سرنوشت این جنبش با سیاستهای تبلیغی سازمان گره خورده و عملاً در خدمت آن قرار گرفت. در مقطع ۱۹ بهمن

۵۸ وقتی که بنا به گفت خود فریدون در همان نشریه آرش "علائم بروز ناآرامی" دیده میشد فریدون به نمایندگی از طرف سازمان تصمیم به برگزاری سالگرد چریکهای فدایی در گنبد که منطقه حکومت وی بود می گیرد. ابتدا صحبت از راه پیمایی مسلحانه بمانند کردستان بوده است با بحث و اصرار دیگران فریدون از این تصمیم خود کوتاه آمده و به یک راه پیمایی ساده راضی میگردد. اوضاع کاملاً بحرانی بود. در همان شب ۱۸ بهمن توماج، مختوم، واحدی و جرجانی ربوده شده بودند. بنا به گفته فریدون، فرمانده کل ستاد، در همان مصاحبه اش با مجله آرش "شاهدان عینی ربوده شدن آنها را اطلاع دادند و تلاشهای مسئولان سازمان برای رهایی آنها به نتیجه نرسید." وی در ادامه همانجا می گوید "هشدار مبنی بر بروز ناآرامی غیرقابل کنترل ندیده گرفته شد." حقیقت آن است که به خود فریدون این ناآرامی غیرقابل کنترل و اینکه پاسداران آماده حمله و درگیری هستند گزارش داده شده بود ولی خود وی بود که این هشدارها را ندیده گرفته و بهرحال میخواست که بقول خودش "برای جمهوری اسلامی قدرت نمایی" کند. و این هزینه قدرت نمایی برای ملت ترکمن بسیار سنگین بود و هزینه اش را تاکنون نیز می پردازد. فریدون و یاران وی بر اثر عدم شناخت از وضعیت عمومی جامعه، حاکمیت و توازن قوا عملاً بدام سرکوبگران افتاده و مقابله نمودند. این نقطه عملاً پایان آن جنبش گسترده ترکمن ها بود. علاوه بر این جنگ گنبد دوم زمانی صورت پذیرفت که ستاد عملاً توان و نیروی خود را بر اثر سیاستهای چپ روانه و به اصطلاح طبقاتی و عدم توجه به مسائل فرهنگی که خواست قشرهای میانی ترکمن ها در شهرها بود، از دست داده بود و بمانند جنگ اول گنبد حمایت توده ای بهمراه نداشت. اما آنچه که رفیق فریدون میگوید "فدائیان خلق تا سال ۱۳۶۲ در منطقه حضور فعال داشتند" بغیر از چندماه بعد از جنگ دوم گنبد و بخصوص بعد از حضور سازمان فدائیان اکثریت، تشکیلات سیاسی منطقه یک جمعی از نیروهای عمدتاً جوان روشنفکر که هیچ نشانی از جنبش ملی در آن نبود و بقول معروف "کردستان همان یزد است" بود. این حضور کاملاً جدا از توده های مردم و در عمل مبلغ "سیاستهای ضدامپریالیستی" جمهوری اسلامی بود.

بنا به تجربه به اثبات رسیده است که موفقیت جنبش ملی به ابعاد بسیار گسترده دموکراسی احتیاج دارد. خودمحموری، انحصارطلبی و ماجراجویی بزرگترین ضربات را به جنبش ملی وارد می آورند. همچنین جنبش ملی بنا به ویژگیهای خود نمیتواند اسیر یک ایدئولوژی باشد. تلاش برای سلطه یک ایدئولوژی و یا اساساً یک نوع تفکر بر جنبش ملی به زندان و به بند کشیدن آن جنبش ملی خواهد بود.

جنبش ملی هر ملتی دارای تاریخ و ویژگیهای خاص خود است. و همچنین دارای قانونمندی های نانوشته ای است که حاصل زحمات و مبارزات آن ملت است. پیشروان هر ملتی بایستی که تاریخ و مبارزات ملت خود را در تمامی عرصه های اجتماعی بیابند، بیاموزند و با شرایط مشخص تطبیق دهند. هر ملتی که از گذشته خود نیاموزد، تاریخ نشان داده است که آن ملت تراژدی خود را به اشکال گوناگون دیگری تکرار خواهد کرد. مثرات